در جلسه قبل رفتیم به سراغ تفاوت علوم طبیعی و انسانی :

سنخ این بحث فقط در مقاله « ظهور و تکوین علوم انسانی در غرب » محمد عل مرادی ،مشاهده شده است .

علوم انسانی مدرن چگونه امری است و ما از چه زاویه ای می توانیم با ان مواجه شویم ؟

به نظر جامعه شناسان اخیر و متفکران مسلمان ،حداقل امری که توان تقابل و برابری با علوم انسانی جدید را دارا است، فلسفه اسلامی است که مدل موجود علوم انسانی رایج در دانشگاه های ایران (انگلوساکسونی) با فلسفه اسلامی سازگاری بیشتری دارد .

ریشه علوم انسانی :

1)یا از سنخ علوم اخلاقی و هنجاری است : معادل این در میراث ما حکمت عملی است . که به یک تعبیر به باید ها می پردازد و به تعبیر دیگر واقعیت های وابسته به انسان را شامل می شود .که دستاویز عملی ان در شاخه های فقه و اخلاق و سیاست قابل دسترسی وبررسی است

2)یا از سنخ علوم زبانی (زبان شناسی): واقعیت بدون زبان معنی ندارد و منطق و واقعیت تابع زبان است . که معادل ان

جایگاه این در مباحث فلسفی این است :

گام اول مباحث فلسفی با وجود شناسی شروع شد و کانت گفت که معرفت مهمتر است که بدون توجه به ان وجود شناسی بی معنی است ولی گام سوم فلسفه، زبان شناسی است که در این گام می گویند که مهمترین امر در انسان شناسی ،زبان شناسی است که بدون ان اصلا واقعیتی نخواهیم داشت .

انسانها در درون زبان زاده می شوند و با زبان چشمشان به واقعیت باز می شود و با زبان واقعیت را می شناسند و می فهمند و با ان رابطه برقرار می کنند .

بر این اساس هر چه زبان شناسی انسان قوی باشد ، انسان شناسی او قوی تر است .

سوسو پدر زبان شناسی ،ساختار گرایی را تاسیس می کندو ساختار گراها نحله های عظیمی را در حوزه علوم انسانی بوجود می اورد .

معادل ان در فرهنگ ما ، ادبیات و در میراث اسلامی ، علم اصول و مخصوصا بحث الفاظ علم اصول است .

برخی سوالات مهم قابل طرح در این حوزه :

الف )بالاترین افق معرفتی ما چیست ؟فلسفه ، منطق ، شهود ، قران ؟

ب)معرفت ما از یک شی به اعتبار توان ماست و یا ظهور شی شناخته شده ؟

ج)نهایت معرفت بشر از قران چیست ؟

د)قران مکاشفه تام پیامبر است یا قران بالاتر از مکاشفه تام پیامبر است ؟

ه)حقیقت قران لفظ است یا کتاب است ؟ایا اصل قران ابتدا لفظ بوده و بعد تبدیل به کتابت شده یا اول کتابت بوده و بعد تبدیل به لفظ شده است ؟

و)ایا برهان ما را بیشتر به واقعیت می رساند یا ایات قران و سخن معصوم (ع) ؟در صورت تعارض چه باید کرد ؟

در صورتی که معصوم(ع) بگوید که امتناع تناقض در همه حوزه های معرفتی جریان ندارد ما چه می کنیم؟

3)یا از سنخ علوم تاریخی :ما به ازایی در میراث ما ندارد الا علم تاریخ که علماء ما ان را علم ندانسته اند .

4)یا از سنخ علوم طبیعی:(پزوتویسم ) بررسی رابطه علی و واقعیات تجربی برای کشف واقع و نظم های موجود در طبیعت برای پیش بینی اینده. که بهترین ابزار نقد این فضا ، همان فلسفه ایست که میاید و ثابت میکند که علوم تجربی تنها راه کشف واقع نیست و این علم ، همان علمی بوده که در میراث اسلامی به بررسی انسانها پرداخته است و مباحث علم النفس از این نمونه است .